من ایرانی هستم

## درد بی‌هویتی

قمر تکاوران

● خودش را ایرانی می‌دانست و به درستی باور داشت که وطنش ایران است. می‌گفت: نمی‌دانم خارج چطور جایی است و اصلا تا به حال پایم را از خاک ایران بیرون نگذاشته‌ام. نمی‌دانم کجا می‌خواهند من را بیرون کنند. میثم ۲۷ساله بود و به قول خودش ۲۷ سال بی‌هویت زیسته بود.

حالا این بی‌هویتی داشت به نسل سوم می‌رسید. فرزندش دو ماه دیگر به‌دنیا می‌آمد و قرار بود این درد بی‌هویتی را به دوش بکشد. پدر میثم وقتی ۱۶ساله بود به جرم ایرانی‌بودن از عراق اخراج شده بود و به زادگاه پدری‌اش، اصفهان، برگشته بود اما اینجا هم به او شناسنامه نداده و گفته بودند: تو ایرانی نیستی. ۴۰ سال به عنوان خارجی در وطن خودش زندگی کرده بود. صد سال پیش پدربزرگ میثم به عراق مهاجرت کرده بود.

اسم روستای پدربزرگ‌شان به نام فامیلی‌شان بود. همه آنجا آنها را می‌شناختند و حتی خانه پدربزرگ هنوز در روستا وجود داشت اما برای دادن شناسنامه به پدر میثم آزمایش DNA خواسته بودند و کسی زنده نبود که بتواند آزمایش دهد. همین باعث شده بود پدر میثم همچنان خارجی باشد و بچه‌هایش نتوانند شناسنامه ایرانی بگیرند چراکه قانون، ایرانی‌بودن مادر را برای هویت ایرانی داشتن‌شان کافی نمی‌دانست. پدر میثم حتی برای گرفتن پاسپورت عراق اقدام نکرده بود چراکه خودش را ایرانی می‌دانست و می‌گفت من اهل این کشورم و شناسنامه ایرانی می‌خواهم. عراقی نیستم که پاسپورت عراق بگیرم.

میثم و خواهر و برادرش نتوانسته بودند با قانون ۸۵ شناسنامه بگیرند. مدارک‌شان به‌موقع حاضر نبود و به همین خاطر که ۱۸ سال را رد کردند، دیگر مشمول قانون نشدند و بلاتکلیف باقی ماندند و هنوز هم ادامه داشت. بیش از همه مسائل مدرسه و دانشگاه آزارش داده بود؛ برخوردهایی که به عنوان خارجی با او شده بود. دانشگاه دولتی قبول شده بود اما باید شهریه پرداخت می‌کرد چراکه خارجی تلقی می‌شد. می‌گفت: من تا خود دانشگاه، هر روز ترس این را داشتم که بیایند در کلاس و بگویند اتباع بروند بیرون. از فرصت‌های ازدست‌رفته خودش و خواهر و برادرش به خاطر نداشتن شناسنامه می‌گفت. خودش را برای هندبال و برادرش را برای تیم فوتبال خواسته بودند اما هیچ‌کدام نتوانسته بودند بروند چراکه باید شناسنامه ایرانی ارائه می‌دادند. کم نیست این فرصت‌های ازدست‌رفته فرزندان مادرایرانی که جامعه ایران هم می‌توانست از آنها منفعت ببرد. مسئولان به خواهرش که پیگیر شناسنامه بود، گفته بودند: برو با مرد ایرانی ازدواج کن تا بهت شناسنامه بدهیم. میثم می‌گفت: چطور آن موقع دیگر مسئله امنیتی نیست؟

# دریاچه ارومیه؛ اشک‌ها و لبخندها

**شرق:** هشت سال پیش بود که معترضان اهل ارومیه در سوگ خشک‌شدنش شعار می‌دادند «گلین گئدک آغلایاق/ اورمو گولو دولدوراق»؛ یعنی «بیایید برویم گریه کنیم - دریاچه ارومیه را با اشک‌هایمان پر کنیم». آن روزها حال و روز دریاچه هر روز بدتر از دیروز بود و سرعت عقب‌نشینی سواحل و خشک‌شدن آبش از امروز تا فردا هم به چشم می‌آمد. از آن حجم فیروزه‌ای آبی که چشم گربه ایران خوانده می‌شود، کویری از نمک سفید به جا مانده بود و نه فقط اهالی مناطق دور دریاچه که همه ایران دل‌نگران بزرگ‌ترین دریاچه آب شور کشور بودند.

آن روزها ابتدای دهه ۹۰ بود و حالا نیمه دوم و پایانی این دهه است، در همین مرداد داغ تابستانی امسال (۱۳۹۸) اگر گذرتان به پل میان‌گذر دریاچه یا دیگر سواحل چهار سوی این پهنه آبی بیفتد، چیزی که دیده می‌شود حتی به نسبت تابستان سال قبل هم متفاوت است. حجم آب بیشتر است و دسته‌دسته مردمی را می‌توان دید که مثل روزگاران دورِ پیش از خشک‌شدن دریاچه، جمع شده‌اند تا تنی به آب شور دریاچه بزنند و پوستشان را به دست لجن‌های شفابخش کناره‌هایش بسپارند.

اگر هوس قایق‌سواری روی آب هم وجود داشته باشد، می‌توان از موج‌های بلندی که خلق می‌شوند، عمق زیاد آب را در قسمت‌های مختلف دریاچه حس کرد. محیط‌بانان منطقه حفاظت‌شده دریاچه با همین قایق‌ها به این سو و آن سوی آب می‌روند و حیات‌وحش منحصربه‌فردش را می‌پایند. حیات‌وحشی که در جزیره‌های دریاچه ساکن‌اند و در سال‌های خشکی گذشته، به‌دلیل عقب‌نشینی آب به خشکی وصل شدند، اما امسال دوباره دورتادورشان محصور آب شد و مثل همه قرون گذشته‌شان جزیره شدند.

آرتمیا، تنها آبزی آب به‌شدت شور دریاچه هم دوباره برگشته و برگشت حیات را به عمق دریاچه نوید داده است. فلامینگوها هم که در این سال‌ها برایشان صرفی نمی‌کرد حین کوچ و مهاجرتشان در این گوشه کویرمانند توقف کنند، امسال بازآمده‌اند و از عکس‌هایشان کلی گزارش تصویری و پست اینستاگرامی درآمده است!

پرسش این است که قصه چیست؟ شواهد و ظواهر حکایت از حال خوش دریاچه دارد، اما این وضعیت چقدر پایدار است و ریشه در چه کارهایی دارد؟ ابر و باد و مه و خورشید و فلک و سیل دست به دست هم داده‌اند تا وضعیت این‌طور شود یا پای عوامل و اقدامات دیگری هم در میان است؟

نگاهی به آمار بارش‌های اطراف دریاچه حکایت از بهبود نسبی بارش‌ها دارد؛ مثلا میزان بارندگی استان آذربایجان غربی در سال بارشی جاری ۵۱۹ میلی‌متر بود، درحالی‌که این عدد در بازه زمانی مشابه برای سال بارشی گذشته ۴۱۲ میلی‌متر ثبت شد که حکایت از حدود ۲۵ درصد افزایش بارندگی نسبت به سال قبل دارد؛ اما آیا ۲۵ درصد بارش بیشتر می‌تواند تا این حد تأثیر ملموس بر حال و روز دریاچه‌ای به وسعت ارومیه بگذارد؟

آمار این روزهای وضعیت دریاچه که به گفته مسئولان اداره کل محیط زیست آذربایجان غربی نتیجه مشترک اقدامات ستاد احیای دریاچه ارومیه و بارش‌های ابتدای سال است، به این شرح بود که در ابتدای امسال سطح دریاچه ارومیه از ۱۲۷۱.۹۶ بالاتر رفت و این یعنی ثبت بالاترین تراز در هشت سال گذشته. سطح تراز دریاچه ارومیه در ماه اول تابستان ۲۳ سانتی‌متر کم شد که به‌دلیل کاهش ورودی آب و کاهش بارندگی بود. این وقت سال به غیر از این، موسم تبخیر آب هم هست، اما پیش‌بینی‌ها و امیدواری‌ها این‌گونه است که تا پایان تابستان کاهش تراز بیشتر از ۵۰ سانتی‌متر رخ ندهد و تراز دریاچه به پایین‌تر از ۱۲۷۱.۳۰ نرسد. حجم آب دریاچه تا چند روز پیش چهارمیلیاردو ۷۱ مترمکعب ثبت شد.

برای ردیابی علت و ریشه‌های ماجرا باید کمی از کناره‌های دریاچه دور شد و اطرافش را پایید. از چشم عکس‌های ماهواره‌ای اگر به این گوشه ایران نظر کنیم، هزاران هزار هکتار باغ و مزرعه همیشه سرسبز را می‌توان دید که سیب، انگور، آلو، هلو و چغندرقندشان معروف است و هرساله میلیون‌ها تن از هرکدام به بار می‌نشیند، آن‌قدر که گاهی حتی بازار هم توان و میل خریدشان را ندارد.

از قدیم رسم بر این بود که برای هر باغ و مزرعه هم بسته به وسعتش، یک یا چند چاه آب حفر شده بود که با مجوز یا بی‌مجوز از دل خاک هرچقدر دلشان می‌خواست آب را می‌کشیدند و صرف کشاورزی می‌کردند. فقط هم چاه نبود، خیلی‌ها نیز سر لوله‌های کلفت پمپ را فرومی‌کردند در آب رودخانه‌هایی که از این سو و آن سوی حوضه آبریز راهی دریاچه می‌شدند و هرچه در توان داشتند، آب را بالا می‌کشیدند تا چرخ زمینشان بچرخد. تاوان همه این کارها را هم در این سال‌ها خود دریاچه داد، چون بخش زیادی از این آب سهم و حق دریاچه بود، اما داده نمی‌شد.

همین روزها که وضع آبی دریاچه خوب است، گشتی در همین مزارع نشان می‌دهد آنها هم پربار هستند و به نظر نه فقط دچار مشکل و کم‌آبی نشده‌اند که شکل و شمایل و سبک آبیاری و آب‌بری‌شان هم گویا بهتر شده است.

برای یافتن پاسخ این پرسش که چه شده است به سراغ مسئولان ملی و منطقه‌ای ستادی رفته‌ایم که از سال ۹۲ کارشان را با عنوان و هدف احیای دریاچه شروع کرده‌اند. آنچه در ادامه آمده است، جزئیاتی از اقدامات انجام‌شده در همین راستاست.

نصب سردهنه بر ورودی رودخانه‌ها یکی از اقدامات ستاد احیای دریاچه ارومیه است. هدف از این کار مدیریت آب براساس زمان‌بندی برای رفتن به سمت مزارع و برداشت آن و پاسداری از سهم دریاچه است. آن‌طور که مسئولان ستاد می‌گویند، در تمام رودخانه‌های اصلی حوضه آبریز دریاچه ارومیه قبل از سال ۹۳ هیچ‌گونه سازه‌ای به‌عنوان سازه سردهنه وجود نداشت تا بتواند آب تنظیمی را کنترل کند.

دراین‌باره فرهاد سرخوش، مدیر دفتر استان آذربایجان غربی ستاد احیای دریاچه ارومیه، می‌گوید: پیش‌ازاین سردهنه رودخانه‌ها کلا خاکی بود. در مواقع زراعت ممکن بود کشاورز سردهنه را بیشتر باز و بیشتر از نیازش آب برداشت کند؛ بنابراین آب به پایین‌دست نمی‌رسید. ما برای کنترل آبیاری کشاورزی و هم در زمان غیر فصول کشاورزی در همه رودخانه‌های اصلی حوضه آبریز دریاچه ارومیه این سردهنه‌ها و آب‌بندها را احداث کردیم تا آب تنظیمی در اختیار کشاورز قرار دهیم. در زمان غیر از برداشت کشاورزی تمام این سردهنه‌ها بسته می‌شوند و با کمترین پِرت، آب وارد پیکره دریاچه ارومیه می‌شود.

سرخوش احداث سردهنه را مکمل لایروبی رودخانه‌ها می‌داند و می‌گوید: ۱۱۴ کیلومتر رودخانه را لایروبی کردیم. اگر لایروبی را انجام دهیم، سردهنه احداث نکنیم، موقع سیلاب و دبی بالای آب نمی‌توانیم آب را کنترل کنیم و دوباره پِرت آب خواهیم داشت. برای جلوگیری از این وضعیت سازه‌های بنایی را روی رودخانه‌ها احداث کردیم و آب‌بندها را احداث کردیم تا آب تنظیمی به کشاورز بدهیم و بتوانیم حقابه زیست‌محیطی را به‌راحتی کنترل کنیم.

او اضافه می‌کند: ۹ سردهنه اصلی روی رودخانه باران‌دوز کار و تقریبا ۱۱ میلیارد تومان هزینه کردیم. امسال بعد از ۱۰ سال اولین سالی است که در این موقع سال ورودی آب به دریاچه ارومیه داریم. قبلا از اردیبهشت به بعد پایین‌دست هیچ آبی نبود؛ چون آب در بالادست برداشت می‌شد؛ بنابراین آب به پایین‌دست نمی‌رسید. از آن سو آبی هم که راهی مزارع می‌شود، به شکل آبیاری تحت فشار برداشت می‌شود و با این روش در هر هکتار چهارهزارو ۴۰۰ مترمکعب ذخیره آب ثبت می‌شود که به‌عنوان حقابه زیست‌محیطی است. قرار ما هم بر این است که هر سال هشت درصد میزان تخصیص آب را کاهش دهیم. در سدهای حوضه دریاچه ارومیه این هشت درصدها را تاجایی‌که زیرساخت‌ها آماده شده، کم می‌کنیم و پشت سد نگه می‌داریم و موقع رهاسازی به سمت پیکره دریاچه می‌فرستیم.

سرخوش اضافه می‌کند: آب جاری تقریبا پنج ماه در اختیار کشاورز است. شرکت آب منطقه‌ای حجم آن را کنترل و دبی مورد نیاز برای ۴۰۰ هکتار را رها می‌کند. بعد از پنج ماه سردهنه را می‌بندیم و گشت بازرسی برقرار می‌کنیم تا کسی سردهنه‌ها را باز نکند و صددرصد آب را به پیکره دریاچه ارومیه منتقل می‌کنیم.

یکی دیگر از برنامه‌های در دست اجرا برای رساندن آبی که پیش‌ازاین راهی به دریاچه نداشت و هدر می‌رفت، احداث تصفیه‌خانه فاضلاب برای شهرهای بزرگ این سو و آن سوی دریاچه است. برای پرسیدن درباره چندوچون این بخش کار علی حاجی‌مرادی، مدیر برنامه‌ریزی ستاد احیای دریاچه ارومیه، می‌گوید: «۱۹ تصفیه‌خانه در حوضه آبریز دریاچه ارومیه در دست احداث داریم که یکی از آنها سال گذشته در نقده به بهره‌برداری رسید. به علت محدودیت در منابع اعتباری فعلا همه هم‌وغم خود را برای تکمیل تصفیه‌خانه ارومیه و تبریز گذاشته‌ایم. این دو شهر به‌تنهایی ۷۵ درصد از کل فاضلاب حوضه دریاچه ارومیه را به خود اختصاص می‌دهند. در مجموع در زمینه شبکه جمع‌آوری فاضلاب، خط انتقال فاضلاب و تصفیه‌خانه فاضلاب و خط انتقال پساب آن به دریاچه ارومیه ۳۶۵ میلیارد تومان در مدت چهار سال از منابع اعتباری دریاچه ارومیه هزینه شده است.

به گفته حاجی‌مرادی بزرگ‌ترین تصفیه‌خانه شمال غرب کشور که تابه‌حال احداث شده است، تصفیه‌خانه تبریز است که به‌تنهایی ۱۲۵ میلیون مترمکعب آب به دریاچه ارومیه منتقل می‌کند و سهم تصفیه‌خانه ارومیه نیز ۵۳ میلیون مترمکعب است و کل هدف‌گذاری ما از محل این ۱۹ تصفیه‌خانه حدود ۳۰۰ میلیون مترمکعب آب برای دریاچه است که این دو تصفیه‌خانه بیش از ۱۷۰ میلیون مترمکعب را تأمین می‌کنند.

او به صورت مشخص درباره تصفیه‌خانه فاضلاب ارومیه و اثراتش نیز این‌طور ادامه می‌دهد: با این کار سه هدف محقق می‌شود؛ جمع‌آوری کل فاضلاب شهر ارومیه محقق می‌شود و فاضلاب وارد آبخوان‌ها نخواهد شد. دوم اینکه بخش عمده‌ای از سبزیجات شهر ارومیه مثل کرفس و کاهو مستقیم با فاضلاب خام آبیاری می‌شود که این مورد منتفی می‌شود. آخرین اثر این پروژه ورود مستقیم ۵۳ میلیون مترمکعب آب به طور مستقیم به دریاچه ارومیه است. خط انتقال پساب به دریاچه ارومیه ۱۱ کیلومتر است که هفت کیلومتر آن تاکنون به اتمام رسیده است. تا آذرماه هم‌زمان با پایان پروژه تصفیه‌خانه این خط انتقال هم تمام می‌شود تا پساب تصفیه‌شده را به دریاچه ارومیه تحویل دهیم.

او اضافه می‌کند: یکی از مزایای پروژه‌های تصفیه فاضلاب این است که آب آن کاملا غیروابسته به میزان بارش است و همیشه وجود دارد. همه روزهای سال آب شرب مصرف و ۷۰ درصد آن به فاضلاب تبدیل می‌شود و با تصفیه تبدیل به پساب یعنی فاضلاب تصفیه‌شده می‌شود. امسال به‌تنهایی با وجود افزایش بسیار زیاد قیمت لوله صد میلیارد تومان به این دو تصفیه‌خانه اختصاص می‌دهیم تا یک تصفیه‌خانه در آذر سال جاری و دیگری اردیبهشت سال آینده به بهره‌برداری برسد.

یکی دیگر از کارهایی که در این سال‌ها پیرامون دریاچه ارومیه و بهبود حال و روزش انجام شده لایروبی بستر رودخانه‌هایی است که آب دریاچه را تأمین می‌کنند. در این زمینه عیسی‌پور، مدیر دفتر رودخانه‌های آذربایجان غربی این‌طور می‌گوید: «لایروبی رودخانه‌ها ازجمله پروژه‌های در دست انجام برای تسهیل ورود رواناب‌های سطحی حوضه به دریاچه است. کل برنامه برای لایروبی رودخانه گدار ۱۳۲ کیلومتر شامل رودخانه‌های زرینه‌رود، سیمینه‌رود، مهاباد، گدارچای، شهرچای، باراندوز، زولا، دریگ و نازلو است. تا الان چیزی حدود ۱۱۴ کیلومتر از رودخانه‌های مرتبط با احیای دریاچه ارومیه در استان لایروبی شده و ۱۸ کیلومتر آن باقی مانده است. ۱۶ کیلومتر از لایروبی رودخانه گدار انجام شده و ۱۰ و نیم کیلومتر در دست اجراست؛ طول این رودخانه ۲۶ کیلومتر است که نیاز به لایروبی دارد. اولین هدف ما از لایروبی رودخانه گدار جلوگیری از سیلاب و دومین هدف ما جلوگیری از پخش‌شدن آب و کاهش سطح تبخیر آب و سومین هدف انتقال آب از حوزه رودخانه زاب به دریاچه ارومیه است که با عملیاتی‌شدن این طرح سالانه ۶۰۰ تا ۱ میلیارد مترمکعب از حوزه زاب به دریاچه منتقل خواهد شد.

ادامه در صفحه ۱۳

عکس: طاها اصغرخانی، ایرنا

نگاه

## آموزش و پرورش؛ اولویتی ملی

غلامرضا کریمی*

● صاحب‌نظران و کارشناسان بین‌المللی، آموزش و پرورش قاره آسیا را داستان موفقیت در جهان توصیف کرده‌اند. بر اساس آمار سازمان‌های بین‌المللی امروزه از هر ۱۰ کودک آسیایی، ۹ کودک در دبستان نام‌نویسی می‌کنند. این در حالی است که در دهه ۱۹۷۰ میلادی دوسوم کودکان بازمانده از تحصیل جهان، در همین قاره می‌زیستند. آثار و نشانه‌های این پیشرفت شگفتی‌آور در عرصه آموزش و پرورش نیز به‌خوبی هویداست. کشورهای مالزی، چین، هنگ‌کنگ، سنگاپور، کره، تایلند، ویتنام، هند و بسیاری دیگر از کشورهای این قاره کهن برای پیشرفت و همگانی‌کردن آموزش و پرورش، ریشه‌کنی بی‌سوادی و ترویج دانش و آگاهی در جوامعشان کمر همت بستند و یک‌شبه ره صدساله پیمودند. این کشورها یکی پس از دیگری به این نتیجه رسیدند که بهترین و بی‌بدیل‌ترین راه برای رهایی از انبوه مشکلات اقتصادی و اجتماعی برخورداری کشور از نظام آموزش و پرورش فراگیر، اثربخش و نیرومند است. از این رو برنامه‌های راهبردی درازمدت را برای پیشرفت و گسترش آموزش و پرورش طراحی کرده و با جدیت به اجرا درآوردند. گفتنی است سازمان‌های بین‌المللی بنا بر ماهیت و هدف‌هایی که دارند همواره می‌کوشند بخش قابل توجهی از توفیق این کشورها در زمینه آموزش را ناشی از تلاش‌ها و پیگیری‌های خود برای اجرای اعلامیه‌ها و توصیه‌های گوناگونشان قلمداد کنند، اما چرا همین اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی در کشورهای عربی به چنین نتایج درخشانی نرسیده است؟ چگونه است که آمار بی‌سوادی، ترک تحصیل و بازماندگی از تحصیل به‌ویژه در میان دختران و زنان در کشورهای عربی همچنان بالاست؟ چرا کشورهای قاره آفریقا با وجود کمک‌های مالی و فنی فراوانی که پیوسته از سوی سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و اهداکنندگان به سویشان سرازیر می‌شود، تاکنون نتوانسته‌اند به چنین توفیقی دست یابند؟ پاسخ این است که ایجاد تغییر و تحول و پیمودن راه پیشرفت، نسخه‌ای نیست که توسط دیگران برای کشوری پیچیده شود. بلکه این دوراندیشی، خردورزی و اراده قوی و خدشه‌ناپذیر ملی است که کشورها را به سرمنزل مقصود می‌رساند. در کشور خودمان نیز از دهه نخست انقلاب اسلامی، توانستیم به مدد اراده قوی و پشتکار برای گسترش و پیشرفت آموزش در کشور گام‌هایی بلند برداشته و جنبشی را برای ریشه‌کنی بی‌سوادی، مدرسه‌سازی و تربیت آموزگار آغاز کنیم. همین تلاش و پشتکار سبب شد که میزان بی‌سوادی در کشور که تا سال ۱۳۵۷ به ۷۰ درصد می‌رسید، در دو دهه به ۱۰ تا ۱۵ درصد کاهش یابد به‌طوری که کاهش میزان بی‌سوادی و افزایش نام‌نویسی کودکان در دبستان به‌ویژه در میان دختران و زنان ایرانی، سازمان‌های جهانی را نیز به تحسین واداشت. اما آیا به‌جز عزم و اراده قوی دولتمردان و سیاست‌گذاران کشور هیچ سازمان و نهاد بین‌المللی‌ای قادر بود ما را به چنین دستاورد بزرگی برساند؟ آیا توفیق به‌دست‌آمده فقط ناشی از اقدام‌های وزارت آموزش و پرورش بود یا اراده قوی ملی که همه دستگاه‌ها و نهادهای کشور پشتیبان آن بودند، چنین نتایجی به بار آورد؟ با توجه به شرایط امروز آموزش و پرورش کشورمان و ضرورت جلب رضایت بیشتر ذی‌نفعان ضرورت دارد دولت و نظام بر سرمایه‌گذاری در آموزش به‌ویژه معلمان متمرکز شوند چراکه با توسعه و ارتقای معلمان و با دادن قدرت و اختیار کافی به آنها و مدیران مدارس، روند آموزش دگرگون می‌شود و کیفیت آن ارتقا خواهد یافت.

***قائم‌مقام وزیر آموزش و پرورش در روابط بین‌المللی**

### جدول ۳۴۵۹ ■ طراح: بیژن گورانی

**افقی:**

۱- قدیمی‌تر- تخت پادشاهی- نوعی سالاد ۲- از مراسم شیرین و به یادماندنی ازدواج- کاستی ۳- شغلی ندارد- قضاوت- درخت تسبیح ۴- کلبه درختی- جدایی ۵- گل سرخ- داستانی نوشته تورگنیف روسی- دوست خواندنی- تلخ ۶- بخشی از لباس- قدرت و نیرو ۷- سطل آبکشی از چاه- متدین- پرنده‌ای با پاهای بلند ۸- دلگیرشدن- راه آذری- آزادی ۹- نقاشی که ادعای نبوت کرد- رمانی نوشته فهیمه رحیمی- نیک‌بختی ۱۰- ماده دارویی که از پشم گوسفند به دست می‌آید- فلاپی دیسک ۱۱- مخفف آکبند- نسیم شب- حمله‌برنده- خاک سرخ ۱۲- پهلوان افسانه‌ای آذری- گشودن ۱۳- باطل‌کردن- هدایت‌شدن- از خواهران برونته ۱۴- گمان و پنداشت- داستانی مشهور از هانس کریستین آندرسن، نویسنده دانمارکی ۱۵- هیاهوی مردم در شادی- شهری در انگلستان- غذایی از گوشت چرخ‌کرده.

**عمودی:**

۱- خبرها- تله- جنگ‌افزار ۲- نیرومند- میوه‌ای با طعم ترش و شیرین- از اعمال واجب برای میت ۳- پایتخت بنگلادش- سپهسالار قشون اشکانی- شناور بارکش بدون موتور ۴- خوش‌رفتاری- مولد الکتریسیته- زائو ترسان ۵- ترشح‌کردن- آشیانه جغد ۶- نگهبان گله- سبز روشن- گل شقایق ۷-اختراع مارکونی- گوشه‌ای در دستگاه همایون- چاق و فربه ۸- زین و برگ اسب- گردآوری و تنظیم- نشانی ۹- کامیون ارتشی- حیوانی که در طول عمر خود آب نمی‌نوشد- بسندگی ۱۰- طرز عمل- کمیابی- درون صدف ۱۱- غیرایرانی- معادل فارسی اینترنت ۱۲- ناپایدار- سند معامله- محصولی مانند کاشی ۱۳- سفارش پیش از مرگ- یکی پس از دیگری- زندگانی ۱۴- دلسردی- یک‌هزارم متر- شب عرب ۱۵- سیاهی‌لشکر سینمایی- انتقام- آپارتمان کوچک با تجهیزات ساده و راحت.

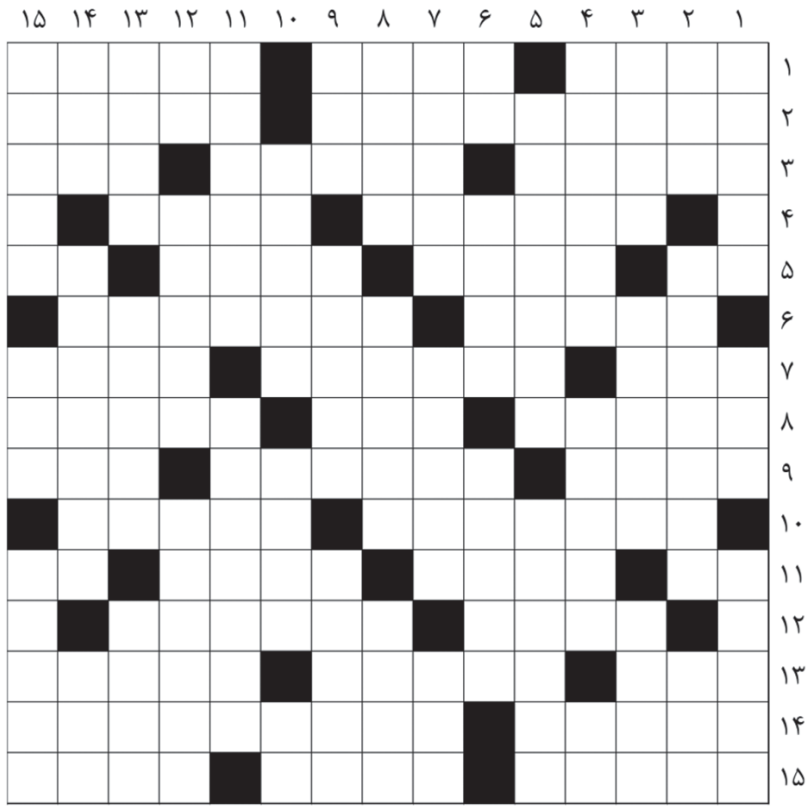

### سودوکو سخت ۲۴۵۵

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

**قانون‌های حل جدول سودوکو:**

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۵ | | ۸ | | ۴ | ۶ | | ۹ | |
| | | ۴ | | | | | | |
| ۱ | ۶ | | | | | | ۸ | |
| ۹ | ۱ | ۶ | | ۳ | ۵ | | ۴ | |
| | | | | | | | | |
| | ۴ | | ۷ | ۸ | | ۶ | ۲ | ۹ |
| | ۷ | | | | | | ۶ | ۳ |
| | | | | | | ۹ | | |
| | ۳ | | ۶ | ۹ | | ۵ | | ۴ |

### سودوکو ساده ۲۴۵۵

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

**سودوکو**

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | | | | ۲ | ۳ | | | |
| ۵ | | | ۱ | | | ۶ | | |
| | ۸ | | ۶ | | | | | ۲ |
| | | ۹ | | ۱ | ۶ | ۸ | ۴ | |
| ۴ | | ۱ | | | | ۷ | | ۶ |
| | ۷ | ۸ | ۲ | ۴ | | ۱ | | |
| ۷ | | | | | ۹ | | ۳ | |
| | | ۳ | | | ۱ | | | ۸ |
| | | | ۳ | ۷ | | | | ۱ |

### حل سودوکو سخت

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۶ | ۳ | ۹ | ۸ | ۷ | ۴ | ۲ | ۵ | ۱ |
| ۷ | ۵ | ۸ | ۱ | ۲ | ۹ | ۶ | ۴ | ۳ |
| ۴ | ۱ | ۲ | ۶ | ۵ | ۳ | ۸ | ۹ | ۷ |
| ۹ | ۶ | ۱ | ۲ | ۳ | ۵ | ۷ | ۸ | ۴ |
| ۵ | ۸ | ۳ | ۷ | ۴ | ۶ | ۱ | ۲ | ۹ |
| ۲ | ۷ | ۴ | ۹ | ۸ | ۱ | ۳ | ۶ | ۵ |
| ۱ | ۹ | ۷ | ۵ | ۶ | ۲ | ۴ | ۳ | ۸ |
| ۳ | ۲ | ۵ | ۴ | ۱ | ۸ | ۹ | ۷ | ۶ |
| ۸ | ۴ | ۶ | ۳ | ۹ | ۷ | ۵ | ۱ | ۲ |

### حل سودوکو ۲۴۵۴

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | ۳ | ۴ | ۸ | ۹ | ۲ | ۵ | ۷ | ۶ |
| ۸ | ۹ | ۷ | ۱ | ۵ | ۶ | ۲ | ۴ | ۳ |
| ۲ | ۵ | ۶ | ۳ | ۷ | ۴ | ۱ | ۸ | ۹ |
| ۴ | ۷ | ۱ | ۶ | ۲ | ۹ | ۳ | ۵ | ۸ |
| ۶ | ۸ | ۹ | ۵ | ۴ | ۳ | ۷ | ۲ | ۱ |
| ۵ | ۲ | ۳ | ۷ | ۱ | ۸ | ۹ | ۶ | ۴ |
| ۷ | ۶ | ۵ | ۹ | ۸ | ۱ | ۴ | ۳ | ۲ |
| ۳ | ۱ | ۲ | ۴ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۵ |
| ۹ | ۴ | ۸ | ۲ | ۳ | ۵ | ۶ | ۱ | ۷ |
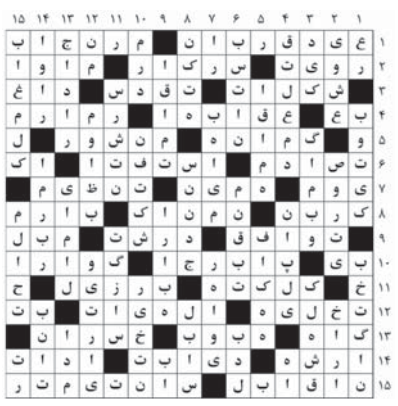
### جدول ۳۴۵۸